

شیوه خط فارسی*

(۲)

۳۰ - کلمانی مانند: کاوس، سیاوش، طاوس، پشاور، داوود، و نظایر آن از کلمات خارجی مانند کاوور، (مرد سیاسی ایتالیا) و لهاور (= لاهور شهری در هند) با دو «و» نوشته شود، تا حرف صامت V و حرف مصوت بلند U، هر يك نمایش خود را در خط داشته باشند. فقط هنگامی که این گونه کلمات مخفف می‌شوند (یعنی مصوت بلند U در آنها تبدیل به مصوت کوتاه O می‌شود) آنها را با يك واو (= حرف صامت V) می‌نویسیم:

سیاوش نیم نر پریزادگان منم بیژن کیو کشوادگان
(بنابراین از نوشتن آنها به صورت: کاوس، طاوس، پشاور و . . . احتراز شود.)

۳۱ - کلمات مرکبی (از دو یا چند کلمه، یا کلمه و پیشوند یا پسوند) را که آخرین حرف جزء اول آنها در خط چسبیده نمی‌شود، یا در صورت پیوستن آنها به یکدیگر، شکلشان دراز یا پرددانه می‌گردد، تا کزیر برای پرهیز از اشتباه باید جدا از یکدیگر اما نزدیک هم نوشت، مانند: جنگهای صدساله، شکست ناپذیر، عقب نشینی، بی‌تریت‌تر، (نه جنگهای صد ساله، شکستناپذیر، عقب‌نشینی، بی‌تریتتر و . . .)

* از خوانندگان گرامی خواهش می‌شود که این غلطها و افتادگیها را در قسمت اول این مقاله (شماره ۷ سخن) اصلاح فرمایند:

ص ۷۳۵/۲۳ - نشانه نکره: نشانه نکره و مصدری و نسبت
در همین صفحه بندها (پاراگرافها) ی آخر و ماقبل آخر، مقدم و مؤخر شده است.
۶ / ۷۳۷ - «آ»، «یا»، زائد است
» / ۱۷ - که: که بالای الف یا
ص ۷۳۹ ر س ۳ و ۷ - «ك»، «ك»: «ك»
» / ۶ - . . . است: . . . است، زیرا درین حال آخر کلمه اصلی پیش از اتصال به علامت جمع یا پسوندهای نسبت و مصدری، حرف صامت «ك» است نه مصوت کوتاه E که اکنون پیش از «ك» یعنی در وسط کلمه [که برای آن علامتی نیست] افتاده است. به عبارت دیگر حرف «ك» درین صیغه‌ها اصلی است و بدل از حرف دیگر نیست.
۱ / ۷۴۰ - کرم: کر
۱۲ / ۷۴۰ - پایه: پایه پا
۹ / ۷۴۶ - . . . که «ه»: . . . که مصوت کوتاه E (= «ه») بیان حرکت در آخر کلمه

از دشواریهای کلمات عربی مستعمل در فارسی، یکی وجود اشکال مختلف برای تلفظ صوت واحد در خط فارسی است. مانند: ث، س، ص، ز، ذ، ض، ظ؛ ح و ه؛ ع و ه. ازین بکی، و دشواری دیگر نظیر آن در خط فارسی که شکل واحد ^۱ برای صوتهای مختلف است، گریزی نیست و با آن باید ساخت.

دشواریهای دیگر، یکی تنوین، دیگری الفهای مقصور و سومی که پیچیده‌تر از دوتای اول است، نوشتن حرف صامت همزه است.

همزه در زبان عربی در اول و وسط و آخر کلمه وجود دارد. ازین گذشته، برخلاف حروف دیگر که اغلب مانند «ب» فی‌المثل شکلهای اول و وسط و آخر («ب» «ب» «ب») نیز دارند، همزه يك شکل (ه) بیشتر ندارد؛ و در وسط یا آخر کلمه بر حسب حرکت یا سکون خود آن یا حرکت و سکون حرف ماقبلش، روی «الف» یا «واو» یا «یا»، یا میان دو حرف یا کنار کلمه نوشته می‌شود، مانند: رأس، مؤثر، الله، قراءت، ضوء. در خط فارسی اگر از پذیرفتن شیوه نوشتن برخی از کلمات همزه‌دار، چنانکه در کتابت زبان عربی مرسوم است، ناگزیر باشیم، بسیاری دیگر را می‌توان به ساده‌تر صورتی و تحت قاعده‌ای که آموختن و نوشتن آنها برای فارسی‌زبانان آسان باشد، در آورد. گفتن ندارد که کلمات خارجی مشابه با آنها را نیز مطابق همان قواعد در فارسی می‌نویسیم.^۲ اینک آن قواعد:

۳۲- تنوین (ّ) مخصوص کلمات عربی است، ویی استثنا در همه کلمات مأخوذ از عربی که در فارسی به کار می‌رود، روی الف گذاشته شود: «كاملاً»، «اتفاقاً»، «عمداً»، «حقیقاً»، «دفعاً»، «عجالتاً»، «لیاً» یا «لباناً»، «موفقاً»^۳ و «عازماً»^۴.

۱- مانند شکل «و» که برای تلفظ مصوت‌های بلند و کوتاه «u» و «o» و مصوت مرکب «ow» و حرف صامت «v» در کلماتی نظیر: پور، تو، خسرو، ناو به کار می‌رود. (گذشته ازین که در برخی کلمات نوشته می‌شود و تلفظ نمی‌گردد) «واو معدوله» مانند: خواب و خواستن و جز اینها.

۲- این قبیل کلمات در اصل خود همزه ندارند، بلکه دو مصوت در آنها به دنبال یکدیگر آمده و تولید مصوتی مرکب کرده اند، و نوشتن این همزه در فارسی برای نشان دادن این توالی است، مانند همزه در کلمات: همبشی، ناپلئون و تئاتر.

۳- درین مورد، برای اینکه قاعده عام باشد، و ازین نظر که تشخیص «ت» زاید اصلی در کلمات مأخوذ از عربی برای عامه فارسی‌زبانان دشوار است، از قاعده نوشتن تنوین روی «ت» زاید به صورت «حقیقه»، «دفعه»، «عجالة» و مانند اینها عدول شده است.

۴- فارسی‌زبانان گاه این گونه کلمات را به جای تنوین با «الف» (مصوت بلند Ä) در آخر تلفظ می‌کنند، مانند: اتفاقاً، اصلاً، ابداً، مطلقاً، حقاً.

- در موردی که کلمه به همزه ختم می‌شود، تنوین روی همزه گذاشته شود :
جره ، استغناء .

۳۳ - الف مقصور در آخر کلمات عربی ، که در رسم الخط این زبان آن را به صورت « ی » می‌نویسند ، در فارسی همچنانکه تلفظ می‌شود با الف نوشته شود . مانند :
اعلا ، فتوا ، قوا (جمع قوه) ، تقوا ، مبتلا ، مصفا ، منتها ، مقوا - بادام منقا (پوست
کنده) مر با و ...

- فقط اسامی خاص درین مورد مستثنا هستند مانند : مصطفی ، مرتضی ، موسی
عیسی ، مجتبی ، یحیی ، کبری ، صغری . این اسامی نیز هنگام اضافه شدن به کلمه دیگر ،
به قاعده زبان فارسی با « الف » و « ی » نوشته می‌شوند : موسای کلیم ، عیسی مسیح
یحیای برمکی .

- کلمات : اسماعیل ، رحمان ، اسحاق ، ابراهیم به همین ترتیب ، چنانکه
تلفظ می‌شوند با « الف » نوشته شوند (نه اسمعیل ، رحمن و ...) .
۳۴ - همزه‌های آغاز کلمه * در کلمات مأخوذ از عربی عیناً مانند همزه در آغاز

۵ - در مقاله پیش ، در بحث از مصوت‌های فارسی ، « الف » را مصوت کوتاه همراه با تلفظ
همزه در آغاز کلمه شمردم . یکی از این جهت که همزه در فارسی جز در آغاز مصوت‌ها وجود ندارد .
دیگر به سبب آن که این گونه کلمات وقتی که پس از کلمه دیگر (به استقلال یا به تخفیف)
درمی‌آیند ، یا با آن ترکیب می‌شوند ، همزه آنها اغلب در تلفظ ساقط می‌شود ، اما الف آنها
در نوشتن باقی می‌ماند تا تمامیت و استقلال کلمه دوم در خط ، و نیز تلفظ مصوت کوتاه
آن (هر چند به آخرین حرف ضامت کلمه پیش نقل می‌شود) نمایش داده شود ، مانند
این موارد :

ز هر سو بلبل عاشق در افغان تنعم از میان باد صبا کرد
بوسعید مهنه در حمام بود قائمش کافتاد مردی خام بود
کالدر این ملک چو طاووس به کاراست و مگس

ولی البته در خط عربی که خط ما نیز همان است ، الف نشانه همزه آغاز کلمه است
که مصوت‌های کوتاه آنها (مانند مصوت‌های کوتاه وسط کلمه) نوشته نمی‌شود .

همچنین مد (-) را که علامت کشیدگی الف در زبان عربی است ، در فارسی
نشان همزه آغاز مصوت بلند (Ā) (Ṭ) در اول کلمه شمردم ، زیرا در وسط کلمات عربی هم
(مانند لالی و مآثر و مآخذ و نظایر اینها) علاوه بر نشانه امتداد الف ، علامت همزه نیز
هست ، و در کلمات مرکبی مانند دلاویز و پیشاهنگ و نظایر اینها در فارسی ، در تلفظ و در نوشتن
حذف می‌شود ، یا در جمله پس از کلمات دیگر ، گاه فقط در تلفظ حذف می‌شود ، اما در نوشتن
همچنان برای نمایش تمامیت کلمه و مشتبه نشدن آن با کلمه دیگر باقی می‌ماند ، مانند :
از آن به دیر مقام عزیز می‌دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
بر آستان تو مشکل توان رسید آری عروج بر فلک سروری نه دشواری است

کلمات فارسی نوشته می‌شوند. مانند: اعظم، انس، اسم، آداب، ایمان و مانند اینها. از کلمات خارجی مستعمل در فارسی، ئیدرژن و ترکیبات آن را که با «i» معمول شده است، بهتر است مطابق قاعده فارسی با «a» بنویسیم: ایدرژن، ایدروکربورها و...

۳۵ - همزه ساکن در آخر کلمه پس از الف ممدود (مصوت بلند Ä) - (چه اصلی باشد مانند ابتداء، چه مبدل از «واو» و «یا» مانند ارضاء و انقضاء و چه زاید جزء علامت تأیید یا جمع مانند بیضاء و اطباء)، چنانکه تلفظ عامه فارسی زبانان است، حذف می‌گردد، و کلمه تابع کلمات مختوم به «الف» در فارسی می‌شود، مانند: ابدای کار، بنای عالی قاپو، انقضای مدت، البیای بنی اسرائیل، طبای حاذق، وزرای پیشین، صحرای مغان، احیای موات، اجرای قانون، خلای راشدین.

۳۶ - همزه ساکن پس از فتحه (مصوت کوتاه A) در وسط یا آخر کلمه، روی الف

نوشته شود:

رأس، رأفت، مأخذ، مانوس، مستأجر، مأمّن، ماوا، تأثیر، تألیف، تأدیپ، تأدیبه (وسط کلمه) مبدأ، منشا، ملجأ، خلا، ملا، و مانند اینها (در آخر کلمه)

۳۷ - در وسط کلمه، میان فتحه (مصوت کوتاه A) و الف ممدود (مصوت

بلند Ä)، به شکل مد (-) روی الف نوشته شود: مأخذ (جمع مأخذ)، مآل (نتیجه) مآب (بازگشت)، لآلی (جمع لؤلؤ) مآثر، منشآت.

۳۸ - در وسط یا آخر کلمه و پس از ضمه (مصوت کوتاه O)، همیشه روی «واو»

نوشته شود:

مؤمن، مؤمنن، رؤیت، رؤیا، مؤذن، مؤدی، مؤث، مؤسس، مؤدب، مؤید

۱ - بسیاری ازین همزه ها اصلاً در تلفظ فارسی زبانان حذف می‌شود و به جای آنها، الفی که همزه روی آن نوشته شده به صورت مصوت بلند Ä تلفظ می‌شود. مانند ماتم، شام، تاریخ، فال، کاس (در وسط کلمه)، میرا، مجرا، مهیا، مهنا (کوارا) مبدأ و سبا (در آخر کلمه) و برخی دیگر به هر دو شکل به کار می‌رود. مانند: مبدأ تاریخ هجری، درملاً عام، بر ملا شدن (فاش و آشکار شدن) و...

دم وی است خرد را به نکته مایه عدت در آن که دست تو در باست شبتهی شناسم
در وی است هنر را ز فتنه مأمّن و ملجأ کزرو سیاهی توقیع عنبری است زدیرا
(اثیر الدین اخیسکتی)

به زیر سایه عدل تو فتنه ها پنهان
خدای داند کز خجالت تو با دل ریش
به پیش دیده و هم تو رازها پیدا
همی به مقطع شعر آمدستم از مبدأ
(انوری)

مؤثر ، سوال ، مؤاخذه ، مؤالست ، فؤاد ، رؤسا ، لؤلؤ ، تکافؤ ، تهیؤ (۱)
(آماده شدن) و ...

۳۹- در آخر کلمه ، پس از حرف صامت یا مصوت‌های بلند U و I «و» و «ی» ،
جدا و پس از آخرین حرف کلمه نوشته می‌شود :
جره ، شیء ، ضوه ، سوه ، بطيء ۴ (- کند)

۴۰- در آخر کلمه ، پس از کسره (مصوت کوتاه E) روی «ی» نوشته شود :
سبب ۴ (= بد)

۴۱- همزه در وسط کلمه ، چه متحرك باشد چه ساکن ، درین موارد روی دندان
< ع > یا < ه > نوشته شود .

- پس از کسره (مصوت کوتاه E) : الفلاف ، بشر (چاه) ، ذئب (کرک) ،
نخطه ، تیره ، سیئه (بدی) ، توطئه ، لئام ، لئامت ، منات (سداها) ، سینات ۴ (بدیها) و
نظایر آنها از کلمات خارجی ۵ مانند : تئائر ، بئائریس ، سنالس ، آئندرنالس ، اسان
ئائندرنال ، جزایر بئائئر (در دریای مدیترانه) ، رئالیست ، ایدئالیست ، کلئائت ، ارئئان و ...
- پس از حرف صامت یا پس از الف (مصوت بلند Ä) مانند :

مسئله ، هیئت ، جرئت ، لثت ، قرأت ، برأت ، وئالت ، اساله ادب ، اراله ۶
طریق . در کلمات خارجی نیز همزه مفتوح به همین طریق نوشته شود : رولئ (شهری

۱- این همزه ها نیز اغلب در تلفظ فارسی زبانان حذف می‌شود و به جای آنها حرف
حامل همزه ، به صورت مصوت بلند لا در می‌آید . مانند : موؤی ، مونس ، شوم ، موجر ،
تکافو ، و ...

۲- همزه پس از مصوت «ی» در آخر کلمه ، در فارسی اغلب تلفظ نمی‌شود ، چنانکه
در کلمات دئی ، (پست) ، جری (کستاخ) ، هنی (گوآرا) ، نبی وبری (که در عربی نیز
بدون همزه ویا « یا » ی مشدد آمده است) چنین است .

۳- این همزه ها را نیز فارسی زبانان اغلب تلفظ نمی‌کنند و حرف حامل همزه را به
صورت مصوت بلند « ی » جانشین آن می‌سازند :

قاری ، باری تعالی ، خاطمی ، بادی (آغاز کننده) ، ملتجی (پناهنده) ، مبتدی
طاری ، متکی ، ناشی ، منشی و ...

۴- برخی از این همزه ها (در تلفظ فارسی زبانان به صورت حرف صامت « ی » ،
تلفظ می‌شود : تجزیه ، تعبیه ، تهئیت ، ریاست ، ریه و ...

۵- نگاه کنید به حاشیه ۲ صفحه ۸۶۷ .

۶- جز در کلمه مسئله ، بقیه همزه ها در اصل عربی ، همزه آخر کلمه و «ت»
در آن کلمات زائد است . ولی برای سهولت قاعده در فارسی آنها را همزه وسط کلمه
شمرده‌ام . این همزه ها را پس از حرف صامت در رسم الخط عربی روی الف (به صورت
مسأله ، جرأت و غیره) و پس از « الف » جدا و میان دو حرف می‌نویسند بدین شکل ،
قراعت ، برأت و ...

در فرانسه) ، بدوئن (پادشاه کنونی بلژیک) ، جزیرهٔ گروئنلند ، ماه ژوئن ، پنگوئن^۱ و نیز کلمهٔ فارسی آلونک^۲ (خرده آهکی آب ندیده که درون آجر می‌ماند و پس از تم کشیدن باز می‌شود و قسمتی از آجر را می‌پرازد) .

- پیش از مصوت بلند U (= واو) ، مانند : شون ، رئوس ، رئوف ، هون (توشه ، رنج) مسئول ، مرسوس ، مشنوم^۳ (نامبارک) و نظایر آن از کلمات خارجی مانند : رئوس (خدای خدایان در اساطیر یونانی) ، منلائوس (پادشاه اسپارت) ، ارفئوس (نام چنگه نوازی در اساطیر یونان) ؛ شاول (نخستین پادشاه عبریان) ، سول (پایتخت کره جنوبی) ، پرومئوس (خدای آتش در اساطیر یونان) ، و کلمات فارسی از قبیل : زانو ، منو (آواز کربه) که همزه در آنها تلفظ همزه ندارد ، و فقط نشان توالی مصوت‌های بلند و کوتاه کوتاه Ä یا A و U است .

همزه‌های پیش از مصوت کوتاه O در کلمات خارجی نیز به همین قاعده نوشته شوند: کاکائو ، کشور لائوس ، تون ، ناپتون ، توناردو داوینچی ، تودور روزولت ، چراغ تون ، کلتوپاتر ، دوره های معرفه الارضی ائوس و پائوس ، فنودور ، بنوسیا (شهری در یونان قدیم) تئوپولد ، جزیرهٔ برتو ، سال ژئوفیزیکی^۴ .

- پیش از مصوت کوتاه E (کسره) مانند : الهه ، مسائل ، مصائب ، سائل ، حائز ، رسائل ، قائل ، علامه ، ملائکه ، خائن ، کائنات ، قالب و . . . و نظایر آنها از کلمات خارجی :

عیدنول ، کشور سوئد ، کانال سوئز ، بوتئوس آیرس ، رافائل ، بوسوله (خطیب فرانسوی در قرن ۱۷) و . . .

- پیش از مصوت بلند I (دو) ، مانند : مرلی (یدبندار) ، رئیس ، نئیم ، (فروماه) ؛ جبرئیل ، میکائیل ، اسرائیل ؛ و نظایر آن از کلمات خارجی ، مانند : تائیس (معشوقهٔ اسکندر مقدونی) ، اوکرائین ، هلونیوز ، تیفوئید ، ژوئیه ، پروتئین ، کافئین ، بمپی ، آلدئید و آلکالوئید ، (در شیمی) .

مصطفی مقرنی

۱ و ۲- به حاشیهٔ ۲ ص ۸۶۷ نگاه کنید .

۳- این همزه‌ها در رسم الخط عربی روی «واو» نوشته می‌شود ، بدین شکل : رؤوس ، شؤون ، مسؤول و . . .

۴- همزهٔ این کلمات اغلب مطابق بنداول شمارهٔ ۴۱ پس از مصوت کوتاه E نیز هست .
۵- این قبیل همزه‌ها را فارسی‌زبانان اغلب به صورت حرف صامت «ی» تلفظ می‌کنند: جایز ، زایل ، عواید ، فواید ، عایق ، شمایل ، نایره ، سایر ، طایس ، فضایل ، مایل ، ملایفه ، قبایل ، نایل ، حایل - نایب ، قصاد و نظایر آنها .
۶- همزهٔ پیش از مصوت بلند «ی» نیز در اصطلاح صرف عربی مکسور خوانده می‌شود .